

راهکارهای بهبود بخشی در آموزش عالی ایران

زینب توکلیان

کارشناسی ارشد تحقیقات آموزش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سپیدان

چکیده

هدف از این تحقیق توسعه سیاست‌ها و توصیه‌های استراتژی برای افزایش کیفیت آموزش عالی در ایران است. این مطالعه به بررسی اهمیت فرصت‌های آموزشی برابر و تأثیر این عامل بر سیستم‌های آموزشی کشورهای در حال توسعه نیز می‌پردازد. فرآیندهای دگرگونی در حوزه آموزش عالی مشکل راهبردهای نهادی دستیابی به برابری فرصت‌های آموزشی را به وجود آورده است. این مطالعه راه‌های استفاده از مکانیسم‌های سازمانی منطقه‌ای را برای تضمین برابری فرصت‌های آموزشی از نظر دسترسی به آموزش عالی با کیفیت بالا ترسیم می‌کند. نتایج تحقیق به‌گونه‌ای طراحی شده است که در هر کشور در حال توسعه‌ای که با مشکل مشابه مواجه است قابل اجرا باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، استراتژی، سیستم آموزشی

۱- مقدمه:

مشکل افزایش کیفیت آموزش عالی در چارچوب فرآیندهای تحولی مدرن یک مسئله مفهومی است و از نظر تئوری و عملاً با توجه به مفهوم گسترده آموزش و پرورش کشوری که در حال اصلاح است، مبهم شناخته می‌شود (لبدف، ۲۰۰۷؛ یارکوا، ۲۰۱۲). همانطور که (هاگوروف، ۲۰۱۰) اظهار می‌دارد: «مسئله کیفیت آموزش بسیار مهم می‌شود و می‌توان آن را به شکل زیر فرموله کرد: «آیا آموزش و پرورش که در حال اصلاح است، تمام وظایف مهم خود (یعنی باز تولید اجتماعی و تضمین رقابت استراتژیک را انجام می‌دهد). این امر نه چندان به دلیل پوشش رسانه ای سؤالات مربوط به محتوا و سازوکارهای اصلاحات آموزش عالی، بلکه به دلیل نقش استثنایی آن در فرآیندهای اجتماعی و حل مناقشات امروزی است. کیفیت آموزش یکی از مهم ترین ویژگی هایی است که رقابت پذیری دانشگاه های خاص و سیستم های آموزشی ملی را در کل تعریف می‌کند. تحقیقات در مورد روند توسعه آموزش بیش از یک بار اشاره کرده است که تنها نوع جدیدی از ذهنیت می‌تواند نوع جدیدی از فرهنگ را ایجاد کند (Gershunskiy, 1998). برابری فرصت‌ها اغلب به‌عنوان مورد حمایت جهانی از عدالت در نظر گرفته می‌شود (رومر، ۲۰۰۲). این تحصیلات عالی یا عالی است که نشان دهنده نابرابری موقعیت اجتماعی در کشورهای در حال توسعه است، زیرا تفاوت بین دانشگاه‌ها می‌تواند بسیار زیاد باشد (بوچمن و هانوم، ۲۰۰۱). علل دستمزد، نابرابری اجتماعی و حتی جنسیتی را می‌توان به نابرابری آموزشی نسبت داد (شوتز، اورسپرونگ و ووسمان، ۲۰۰۸).

۲- بررسی ادبیات:

۲-۱- کیفیت آموزش عالی و سازوکارهای نهادی کنترل آن:

گرشونسکی (۱۹۹۸) در پایان قرن بیستم نوشت که «آموزش و پرورش پاسخی به چالش های قرن بیست و یکم است. این پاسخ قادر به حفظ تمدن است و از انسان ذهنیت یا شخصیت اجتماعی جدیدی می‌طلبد. اولویت جدید آن در جامعه با نیازهای عینی جامعه در حال توسعه تعیین می‌شود. همزمان با شناخت جامعه و مسئولین به این واقعیت که فناوری های جدید نیازمند فارغ التحصیلان دانشگاهی جدید با ویژگی های شخصیتی جدید است، نیروی انسانی در توسعه کشور اهمیت فزاینده ای پیدا می‌کند. بنابراین این موضوعات در سطوح مختلف توجه قابل توجهی را به خود جلب کرده است. در عین حال، علیرغم شناخت کلی اهمیت مفهومی کیفیت آموزش، این مفهوم مبهم باقی مانده است که مانعی جدی برای شناسایی سازوکارهای نهادی فرآیندهای تحول در بخش آموزش عالی است. بنابراین، مطابق با سند سیاست یونسکو برای تغییر و توسعه در آموزش عالی، کیفیت آموزش در چارچوب یک مفهوم همه جانبه در نظر گرفته می‌شود که شامل همه کارکردها و انواع فعالیت های اصلی یک دانشگاه است که شامل چنین مواردی نیز می‌شود. عنصر مهمی به عنوان توانایی فارغ التحصیلان آن برای یافتن سریع شغل است (یونسکو، ۱۹۹۵). بیانیه کنفرانس وزرای آموزش و پرورش که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۳ در برلین برگزار شد ("تحقق منطقه آموزش عالی اروپا"، ۲۰۰۳) بیان می‌کند که مسئولیت کیفیت آموزش عالی بر عهده هر دانشگاه خاص است. با توجه به این موضوع، سیستم های ملی تضمین کیفیت باید شامل موارد زیر باشد:

- ۱) ایجاد مسئولیت سازمانها و مؤسسات شرکت کننده در فرآیندهای آموزشی.
- ۲) ارزیابی داخلی و خارجی برنامه های دانشگاه ها.
- ۳) سیستم اعتبار سنجی، صدور گواهینامه و سایر مراحل.
- ۴) شواهد ارزیابی همکاری های بین المللی و برنامه های شبکه.

همچنین پیشنهاد شد که استانداردها، رویه‌ها و دستورالعمل‌های تضمین کیفیت با هم هماهنگ شوند که گواه بر ظهور روندی ثابت در حل مشکلات کیفیت آموزش عالی با معرفی رویه‌های بوروکراتیک است. بر اساس نتایج کنفرانس برلین، انجمن اروپایی تضمین کیفیت در آموزش عالی استانداردها و دستورالعمل‌های تضمین کیفیت در منطقه آموزش عالی اروپا (Gorbashko, 2011) را تدوین کرد که اساس ساخت تعدادی از سیستم‌های ارزیابی بر اساس این سند، اصول اصلی تضمین کیفیت آموزش به شرح زیر است:

- منافع دانشجویان و کارفرمایان و به طور کلی جامعه در آموزش عالی با کیفیت خوب.
- اهمیت مرکزی استقلال نهادی.
- نیاز به ساختارهای سازمانی کارآمد و مؤثری وجود دارد که بتوان آن برنامه‌های دانشگاهی را در چارچوب آن ارائه و حمایت کرد.

• شفافیت و استفاده از تخصص خارجی در فرآیندهای تضمین کیفیت مهم است. تلاشی برای مشخص کردن معیارهای کیفیت آموزش در بیانیه پایانی کنفرانس جهانی آموزش عالی با عنوان پویایی‌های جدید آموزش عالی و تحقیقات برای تغییر و توسعه اجتماعی، بند ۲۱ (یونسکو، ۱۹۹۵) ارائه شده است. این سند به عنوان معیارهای اصلی آموزش، که اهداف جامع آموزش عالی را منعکس می‌کند، تفکر انتقادی و مستقل و همچنین ظرفیت یادگیری مادام‌العمر را فهرست می‌کند (فیلیپوف، ۲۰۰۹).
گفتمان علمی ملی در رابطه با کیفیت آموزش عالی را می‌توان اینگونه توصیف کرد:

- مجموع ویژگی‌ها و ویژگی‌های خدمات آموزشی که برای برآوردن نیازهای شرطی و مفروض فراهم می‌کنند (ارسلانوا، ۲۰۱۱).
- مجموع ویژگی‌ها و ویژگی‌های یک سرویس آموزشی که اجازه می‌دهد تا خواسته‌های مصرف‌کنندگان برای دانش خاص را برآورده کند که توسط یک سند آموزش عالی تأیید شده است (Traynev & Mkrtychyan, 2010).

• پیش‌بینی کیفیت یک فارغ‌التحصیل که در دو بعد مورد توجه قرار می‌گیرد: میزان تحصیلات یک فرد و رقابت پذیری وی در شرایط بازار (Khutorskoy, 2011).
• رابطه بین هدف پیش‌بینی شده و نتیجه به دست آمده.

اهداف و نتایج در سطح «از دولت تا فرد» در نظر گرفته می‌شوند و ابزار دستیابی به آنها شامل محیط‌های هنجاری-قانونی، سازوکارهای سازمانی-مدیریتی و جنبه‌های اجتماعی-آموزشی مناسب است. دومی شامل محتوای آموزش و فناوری‌های آموزشی است (Ushakov, 2008).

اهداف را می‌توان به صورت زیر تدوین کرد:
مدل فارغ‌التحصیل دانشگاه یا نوع فعالیتی که باید برای آن آماده شود. تصدیق می‌شود که تعدادی از مشکلات روش شناختی مربوط به تعیین اهداف خاص و همچنین ایجاد ابزار و مکانیسم‌های اندازه‌گیری نتایج به دست آمده وجود دارد. در مجموع شرایطی پیش می‌آید که هیچ یک از شرکت‌کنندگان در فرآیند آموزشی علاقه‌ای به کیفیت آموزش دانشگاه ندارند. به گفته ایلسیف (۲۰۱۰)، استراتژی زیر دولت امروزه اجرا می‌شود: «انجام آموزش همه دانشجویان حاضر در دانشگاه در زمان معین و با استفاده از منابع مادی معین».

مشکلات اصلی ارزیابی کیفیت آموزش عالی در این واقعیت است که "بسیاری از نتایج آموزش الف) به سختی قابل تشخیص است. اندازه‌گیری‌ها، توصیف‌ها، ویژگی‌ها و پارامترهای مبتنی بر تحقیق ویژه برای ایجاد آنها مورد نیاز است. ب) به طور کامل

تنها چند سال پس از فارغ التحصیلی دیده می شود، زمانی که یک فارغ التحصیل قبلاً سابقه استخدامی داشته باشد» (چرنووا، ۲۰۱۲).

در حال حاضر معیارهای ارزیابی کیفی زیر در فضای آموزشی اعمال می شود: • اثربخشی عملکرد دانشگاه به عنوان شاخص عملکرد همه موضوعات فضای آموزشی.

• "افزایش توسعه"، گرایش به سوی تکامل همه زیرسیستم های دانشگاه (مدیریتی، آموزشی و غیره)، و همچنین توسعه اقتصادی و مادی دانشگاه ها (ژیگالف، ۲۰۰۹). محققان این موضوع (چرنووا، ۲۰۱۲) در عین حال که آموزش را به عنوان یک خدمت در نظر می گیرند، برخی از ویژگی های مفهوم "کیفیت آموزش" را شناسایی می کنند: سیستم چندسطحی نتایج نهایی، تغییر ناپذیری و تغییرپذیری فرآیند، ویژگی های چند رنگی کیفیت آموزش، به معنای ترکیبی از جنبه های تاکتیکی و استراتژیک است که توسط افراد مختلف (مثلا مصرف کنندگان، مشتریان و غیره) به طور متفاوتی درک می شود.

تحقیقات انجام شده (آستاخوا، ۲۰۰۸) نشان می دهد که مدل نهادی آموزش و پرورش که در دو دهه اخیر دنبال شده است، تناسبی با اقتصاد بازار ندارد، زیرا نرخ توسعه آن به میزان قابل توجهی کمتر از نرخ توسعه اجتماعی و اقتصادی است. عناصر، فرآیندها و فناوری آن نه بر اهداف جدید توسعه کشور و نه بر چشم انداز آن متمرکز نیست. محققان به چالش های سیستم زیر در توسعه اجتماعی معاصر اشاره می کنند که ذاتی کیفیت آموزش عالی هستند: • ناکافی بودن ساختار، محتوا و اشکال آموزش عالی در برابر چالش های امروزی.

• حجم بیش از حد اطلاعاتی که باید توسط دانش آموزان پردازش شود، برخلاف داده هایی که نیازهای حرفه ای آینده آنها را برآورده می کند، برنامه های درسی قدیمی.

• فقدان یک مفهوم سیستمی از ادغام فعالیت های درسی و فوق برنامه با هدف حل مشکلات رشد دانش آموزان (تفکر انتقادی، مهارت های تحلیلی، فرهنگ ارتباطی، فرهنگ خودسازمان دهی، انگیزه برای پیگیری خودآموزی، مهارت های خود مدیریتی). و غیره.

• بازتولید منفی کارکنان آموزشی واجد شرایط، استعفای معلمان کار پاره وقت (حضور)، کارکنان پاره وقت، تمرکز بر استادان زیر ۳۵ سال، در نتیجه اخراج مدرسان محترم، با تجربه (اگرچه همیشه دارای گواهینامه نیستند). • عدم تجزیه و تحلیل و شناخت روندهای مدرن انتخاب دانشگاه و تخصص های آینده توسط فارغ التحصیلان مدرسه، و همچنین فقدان روش های غربالگری حرفه ای در بخشی از کارکنان. اجرای اصول مدیریت کیفیت به عنوان یکی از مولفه های مدیریت یک سازمان به عنوان مؤثرترین ابزار برای ارتقای کیفیت خدمات آموزشی شناخته می شود.

استفاده از ابزارها و روش های مدیریت کیفیت جامع اصول اصلی که در استانداردهای بین المللی ارائه شده و کیفیت آموزش را تعریف می کند عبارتند از: جهت گیری به سمت مصرف کنندگان (یعنی دانش آموزان، کارفرمایان، جامعه، دولت). رهبری مدیریت؛ مشارکت کارکنان؛ رویکرد فرآیندی؛ رویکرد کل نگر؛ بهبود مستمر عملکرد یک سازمان به عنوان هدف ثابت آن؛ تصمیم گیری بر اساس واقعیات؛ روابط دوجانبه سودمند با تامین کنندگان در عین حال، این عناصر سیستم مدیریت کیفیت که توسط یک دانشگاه اجرا می شود، تعدادی از دشواری ها و تناقضات را در ارتباط با سیستم های آموزشی (در مقایسه با سایر سازمان ها) آشکار می کند. این مشکلات ناشی از پیچیدگی فرآیندهای آموزشی است که همیشه نمی توان آن را به صورت کمی ارزیابی کرد.

اثربخشی یک فرآیند به عنوان میزان اجرای فعالیت های برنامه ریزی شده درک می شود. با این واقعیت مشخص می شود که «آیا هدف فرآیند محقق شده است یا خیر. نتایج فرآیند تا چه اندازه نیازها و انتظارات مصرف کنندگان را برآورده می کند، یعنی چقدر محصول یا خدمات نهایی با پروژه موافق است. آیا کیفیت محصول یا خدمات با به موقع بودن تکمیل و زمان صرف شده برای اجرای سفارش به دست می آید (اورلوا، ۲۰۱۳). بزرگترین مشکل مربوط به سنجش اثربخشی مهارت های دانش آموزان با توجه به به تعویق افتادن نتیجه، یعنی اشتغال و در نتیجه، ذهنی بودن ارزیابی آنها است.

۲-۲- نابرابری های آموزشی در کشورهای در حال توسعه:

نابرابری های آموزشی در دنیای مدرن معمولاً خود را به صورت محدودیت (یا گاهی اوقات عدم امکان) دسترسی به آموزش با کیفیت بالا نشان می دهد. این نابرابری با دسترسی رسمی به آموزش عالی به وجود آمده است. با گذشت زمان بر کیفیت آموزش، ارزش وضعیت دیپلم، کیفیت خروجی واقعی ظرفیت فکری، توانایی تبدیل دو عامل آخر به مزیت در بازار کار تأثیر گذاشته است. طرح غربی «تحصیلات-حرفه/درآمد شغلی» در دنیا به طرح «درآمد-آموزش-حرفه/شغل معکوس شد، اولین مؤلفه کلید کسب آموزش است. در نتیجه، آموزش در دنیا دیگر عاملی برای تحرک اجتماعی رو به بالا نیست (کلیوچارف، ۲۰۱۱). در این راستا اجازه دهید نابرابری سرمایه های اولیه را به عنوان یکی از عوامل نابرابری اجتماعی در آموزش عالی بررسی کنیم. فرض می کنیم که سرمایه اولیه متضمن یک مجموعه منابع است که شامل وضعیت اجتماعی خانواده بازمانده از مدرسه (تعلق آن به یک طبقه/قشر، گروه) است. عملکرد اقتصادی، فرهنگی و حرفه ای- آموزشی والدین (شولوخوف، ۲۰۱۰). منطقه زندگی؛ حالات فردی، جسمی، فکری و روانی؛ جنسیت؛ ارشدیت در خانواده (کوچکترین، بزرگتر، فرزند میانی)؛ ملیت (اکثریت/اقلیت) (کلیوچارف، ۲۰۰۴). سنت جامعه‌شناختی در غرب (Giroux, 1983) دیدگاه‌های متعددی درباره عوامل یا با ز تولید نابرابری اجتماعی، شکست ناپذیری آن و راه‌های تنظیم آن ارائه می‌کند. با این حال، این محققان توافق دارند که نابرابری اجتناب ناپذیر است، ریشه کن کردن کامل آن غیرممکن است و تنها با استفاده از برخی مکانیسم های جبرانی قابل کاهش است.

۳- هدف مطالعه:

هدف این پژوهش بررسی گفتمان علمی ملی کیفیت آموزش عالی، نشان دادن فرصت‌هایی برای حل مشکل کیفیت آموزش، ارائه توصیه‌هایی در مورد مسئله نابرابری آموزشی بود.

۴- سوالات تحقیق

سوالات پژوهشی این پژوهش به شرح زیر بود:

کدام سیاست آموزشی می تواند در ارتقای کیفیت آموزش و در عین حال کاهش سطح نابرابری آموزشی مؤثر باشد؟ چه چیزی باید به عنوان معیار اصلی کیفیت آموزش عالی معاصر شناخته شود؟

۵- مواد و روش ها

در تحقیق از دو روش نظری و تجربی استفاده شد. روش های نظری عبارتند از:

- رویکردهای کل نگر و آماری؛

- روش شناخت علمی؛

- بررسی جدیدترین آثار منتشر شده از پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus و Web of Science.

تجربی

۴۵ مدرس در نظرسنجی شرکت کردند. آنها از یک مقیاس ۵ درجه ای برای بیان نظرات خود در مورد اهمیت مشارکت مدیران و متخصصان فوق در آموزش رشته های عمل محور استفاده کردند. درجه بندی به شرح زیر بود:

- بسیار مهم (پنج امتیاز)؛

- بسیار مهم (چهار امتیاز)؛

- در شرایط خاص مهم است (سه نکته).

- درجه اهمیت پایین (دو امتیاز)؛

- کاملاً بی اهمیت (یک نکته).

داده ها، تجزیه و تحلیل، و نتایج

افراد ذینفع در فعالیت یک کسب و کار را می توان به پنج گروه تقسیم کرد: مصرف کنندگان، دولت، سهامداران («هیئت مدیره»)، جامعه («محیط زیست»)، تامین کنندگان و کارکنان شرکت. برای یک دانشگاه، این ترتیب، با ملاحظات خاصی، مانند جدول ۱ آشکار می شود.

جدول ۱. طرف های علاقه مند به عملکرد یک دانشگاه

شماره	نام	طرف های علاقه مند
۱	مصرف کنندگان	فارغ التحصیلان، دانش آموزان، والدین (امنا)، شرکت ها/سازمان ها. دانش آموزان مصرف کنندگان داخلی هستند و شرکت ها/سازمان ها کاربران نهایی هستند
۲	سهامداران	وزارت آموزش و پرورش و علوم فدراسیون روسیه
۳	جامعه (محیط زیست)	ادارات موضوعات فدراسیون روسیه، شورای روسای دانشگاه های منطقه ای، استخدام، خدمات استخدامی، رسانه های جمعی
۴	تامین کنندگان	مدارس راهنمایی و دبیرستان های تخصصی. در حال حاضر مؤلفه فرهنگی-اجتماعی اثربخشی و کارایی دانشگاه ها به طور کامل تجسم یافته است. با این حال، این جهت به طور سیستماتیک، با حمایت مناسب دولت (بررسی های پراکنده، کنفرانس ها، رویدادهای دیگر، انجمن های آماتور، گزارش های گاه به گاه رسانه های جمعی و غیره) ارائه نشده است.

شاخص های برابری در دسترسی به آموزش عالی برای اقشار مختلف اجتماعی و افراد ساکن در سراسر کشور در درجه اول با اثربخشی آموزش در سطح منطقه ای مرتبط است. شاخص های اجتماعی کیفیت آموزش عبارتند از: نیاز به نیروی کار، انطباق

حوزه های آموزش حرفه ای با الزامات بازار کار، پویایی داده های مربوط به اشتغال و پیگیری مطالعات پیشرفته و همچنین پتانسیل آموزشی نیروی انسانی مناطق. مورد دوم شامل سطح متوسط تحصیلات، دوره ها و سطح ارتقای تحصیلات فرد است. این تصویر مشخصی از منابع مناطق به دست می دهد. با این حال، تفکیک تأثیر آموزش و زیرنظام های خاص آن بر منابع انسانی از تأثیر سایر عوامل زندگی اجتماعی دشوار است. بنابراین این شاخص ها نمی توانند گواه مستقیمی بر کیفیت آموزش باشند. بلکه گواه نیازهای اجتماعی آموزش و پرورش و نیازهای مناطق هستند.

تحلیل معیارها و ویژگی های ارزیابی کیفیت آموزش عالی در سایر کشورها نشان می دهد که فرآیند آموزشی یک سیستم باز است که از نظر پویایی با معیارهای سفت و سختی اداره نمی شود، بلکه تا حد زیادی به توسعه اجتماعی و اصلاحات انجام شده در این زمینه بستگی دارد. در عین حال تا حد زیادی به سنت های موجود سیستم های آموزشی در مناطق مختلف مشروط است. این واقعیت وجود چندین نوع استاندارد تضمین کیفیت در کشورهای اروپای غربی را نشان می دهد (موتووا، ۲۰۱۱).

یکی دیگر از روندهای مهم فرآیندهای تحول در دانشگاه ها، اعطای جایگاه معین به معیار کیفیت کارایی فضای اطلاعاتی و جایگاه دانشگاه در بازار خدمات آموزشی است. طبق قوانین بازاریابی، یک شرکت باید خدمات خود را تبلیغ کند، «بنابراین «بسته بندی» یک سرویس آموزشی، یعنی نام دوره ها و موضوعات، نام و عناوین استادان، نتایج وعده داده شده، باید روشن و فریبنده باشد. باید مصرف کننده را جذب کند و او را به صورت مختصر در مورد کیفیت و راحتی استفاده از یک سرویس خاص آگاه کند. در اینجا همه چیز بستگی به این دارد که مصرف کننده کیست و چه می خواهد» (هاگوروف، ۲۰۱۰). در این سن، جوانان بیشتر برای دستیابی به نتایج معنادار در فعالیت های حرفه ای خود، به ویژه ایجاد یک شغل موفق، خودشکوفایی و تحقق پتانسیل های خود، دستیابی به موقعیت اجتماعی بالا و رفاه مادی، گرایش دارند. علاوه بر این، آنها از این واقعیت آگاه هستند که مکانیسم های موجود آموزش عالی به کیفیت آموزش برای تحقق حرفه ای بعدی کمک نمی کند.

بنابراین، می توان ادعا کرد که دو گرایش اصلی زیر در زمینه ارتقای کیفیت آموزش عالی حرفه ای مشاهده می شود: - اختلاف آشکار بین انتظارات کارفرمایان از متخصصان جوان انعطاف پذیر، متبحر با فناوری، و سازگاری اجتماعی و پایه علمی آموزشی ناکافی برای برآوردن این انتظارات در سطح فناوری های تنظیم و توسعه شایستگی های متخصصان جوان در شرایط تولید واقعی، فعالیت های اجتماعی و تجاری.

- هجوم روزافزون گروه های جدید فارغ التحصیلان دانشگاهی به حوزه تولید که مستلزم هزینه های اضافی برای انطباق آنها با استانداردهای تولید و سازمان است. از آنجایی که کشور های زیادی در حال تحول نهادی در آموزش عالی است، مشکل تضمین برابری فرصت های آموزشی اهمیت ویژه ای پیدا می کند. ما مورد دوم را در چارچوب فرآیندهای ادغام جهانی و ملی بررسی می کنیم. این مشکل در نتیجه توانایی نهادی آموزش و پرورش در انعکاس واقعیت های جدید اجتماعی و اینکه در اختیار داشتن انواع سرمایه موقعیت افراد مختلف را در محیط های اجتماعی از پیش تعیین می کند، به منصفه ظهور رسید.

در زمینه فرآیندهای تحول در آموزش عالی، ما به جنبه ای از نابرابری اصلی مانند کندی فرآیندهای تمرکززدایی علاقه مندیم. این فرآیند در مقیاس سراسری مرتبط باقی می ماند، با این حال، این مشکل به ویژه در سطح منطقه ای حاد می شود. شکاف بین مرکز و حاشیه فضای آموزش ملی شروع به گسترش کرده است که توسط دانشگاه های بزرگ در پایتخت و در مناطق آشکار می شود. در این رابطه ما شاهد پدیده محرومیت سرزمینی هستیم. با محرومیت ما ناکافی بودن شرایط زندگی برای کسب آموزش با کیفیت را درک می کنیم. برای کسب آموزش باکیفیت و باکیفیت، دانش آموزان بازمانده از مدرسه از روستاها و شهرهای کوچک نه تنها باید سوابق تحصیلی خوبی داشته باشند، بلکه باید با مشکلات پیچیده و پرهزینه اسکان در طول

دوره تحصیل، حمل و نقل به محل زندگی خود نیز مواجه شوند. زادگاه و امرار معاش. این امر به ویژه برای دانشگاه های مسکو و سن پترزبورگ صادق است. جدول ۲ گسترش دانشگاه ها در سراسر فدراسیون روسیه را نشان می دهد (پاستوخوا، ۲۰۱۰).

جدول ۲. تأثیر دانشگاه ها در توسعه منطقه

نوع نفوذ	تجلی نفوذ
سیاسی	تغییر در ساختار سیاسی جمعیت، مشارکت فعالتر آن در زندگی سیاسی، سازماندهی بهتر فرآیندهای سیاسی
جمعیت شناختی	مشارکت جوانان سایر مناطق، افزایش تعداد متخصصان در منطقه، تأثیر بر ترکیب جمعیت بر حسب جنسیت و سن، مهاجرت و در نهایت بر بازار کار منطقه ای.
اقتصادی	تأثیر بر توسعه زیرساخت های قلمرو، توسعه فکری و فناوری بخش های مجاور اقتصاد، افزایش جریان وجوه، توسعه مشاغل کوچک
فرهنگی	توسعه کتابخانه ها، موزه ها و غیره، شکل گیری محیط فرهنگی
نوآوری	اجرای فن آوری های روز، راه اندازی پارک های صنعتی یا انکوباتورهای تجاری و غیره بر اساس دانشگاه ها، آموزش متخصصان آینده نگر، مشاوره.
اجتماعی	رفع مشکلات اشتغال، بهبود ساختار اجتماعی یک منطقه

دسترسی به آموزش عالی بسته به منطقه زندگی دانشجویان بالقوه دانشگاه به طور فزاینده ای متمایز می شود. عامل نزدیکی دانشگاه به زادگاه فارغ التحصیلان مدرسه نقش مهمی را برای اکثریت قاطع فارغ التحصیلان دوره متوسطه در بسیاری از کشورها را ایفا می کند. بنابراین دسترسی سرزمینی به آموزش عالی برای اکثر فارغ التحصیلان مدرسه به دلیل منطقه ای که در آن زندگی می کنند یا مرکز اداری منطقه آنها محدود است. علاوه بر این، مطالعات نشان می دهد که به دلیل ویژگی های جامعه بسیاری از کشورها، داشتن مدرک دانشگاهی از یک دانشگاه منطقه ای تضمینی برای اشتغال نیست، جایی که کارفرمایان به چنین فارغ التحصیلانی از تحقیر نگاه می کنند و یا در اعماق کشور با رکود آنها. و فقر، بازارهای کار رکود و تقاضای کم، در صورت وجود، برای دارایی های انسانی. برخی از کارفرمایان تمایل دارند متقاضیانی را که از دانشگاه های محلی فارغ التحصیل شده اند رد کنند و در عین حال از کمبود متخصصان جوان شکایت کنند (کلیوچارف، ۲۰۱۱). بنابراین، دسترسی به آموزش های حرفه ای با کیفیت بالا، همچنان یک مشکل اساسی دانش آموزان در مناطق است. بدون پرداختن به جزئیات در مورد وابستگی متقابل دسترسی به آموزش و وضعیت مادی فارغ التحصیلان مدرسه، اجازه دهید راه های حل مشکل مشارکت مکانیسم های سازمانی منطقه ای برای تضمین برابری فرصت های آموزش حرفه ای با کیفیت بالا را بررسی کنیم.

حل مشکل مدیریت مؤثر توسعه آموزش و اشتغال فارغ التحصیلان به طور مستقیم به تدوین و اجرای ابزارها یا استراتژی منطقه ای بستگی دارد. این امر ضرورت تعیین مناطقی از مسائل مورد نیاز آموزشی را مطرح می کند که قاعدتاً فقط به طور کلی قابل حل است. آنها به شرح زیر است:

- معیارهای اثربخشی اجتماعی-اقتصادی آموزش عالی در یک منطقه معین (گلوخاریووا، ۲۰۱۲).
- ارزیابی مشخصات جمعیتی و پویایی ساختارهای کارکنان در مناطق (بالابانوف، ۲۰۰۷).
- ارزیابی و پیش بینی اثربخشی مشارکت اجتماعی؛

- توسعه پیوند با جامعه کارآفرین، بررسی نیازها و الزامات آن با توجه به محتوا و کیفیت آموزش.

به نظر ما ارضای نیازهای نظام اجتماعی منطقه ای ممکن است به عنوان معیار کلی برای ارزیابی اثربخشی آموزش عالی به عنوان یک کل عمل کند، در حالی که ماهیت این نیازها تعیین کننده رویکرد اثربخشی آموزش عالی به عنوان یک جامعه اجتماعی است. مقوله اقتصادی بررسی برنامه های مالی، تغییر خط مشی، سازماندهی مجدد، تغییرات کارکنان، کمک فعال در تقویت تعامل در محور «دانشگاه- بنگاه ها- کسب و کارهای کوچک/بزرگ»، اقدامات اجتماعی و فرهنگی از ابزارهای معمول مدیریتی است که برای اجرای استراتژی توسعه پتانسیل آموزشی منطقه. با این حال، آنها در طول دوره های گذار، زمانی که مسائل مربوط به شکل گیری و توسعه بازارها و مقابله با پدیده های بحران اهمیت ویژه ای دارد، اهمیت ویژه ای پیدا می کنند. مشکل فعال سازی مکانیسم های سازمانی منطقه ای برای دسترسی به آموزش عالی در دو سطح به هم پیوسته حل می شود:

(۱) توجه عینی به پتانسیل های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و اداری و منافع منطقه.

(۲) توسعه جذابیت یک دانشگاه منطقه ای، اثربخشی و اعتبار حضور در آن.

با توجه به سطح اول، توجه داشته باشیم که دانشگاه ها با قرار گرفتن در مناطق خاص، از یک سو باید شرایط منطقه خود را در نظر بگیرند و از سوی دیگر، می توانند (و باید) به امور اجتماعی و توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادهای محلی، تضمین کیفیت زندگی برای جمعیت منطقه کمک کنند.

بدیهی است که درجه متغیر توسعه اجتماعی- فرهنگی مناطق، تفاوت در فرصت های توسعه نظام آموزش عالی، از جمله فعالیت های کارآفرینانه دانشگاه ها را از پیش تعیین می کند. بنابراین هماهنگی و تنظیم توسط دولت های منطقه ای و محلی می تواند نقش مهمی در حل مشکلات تعامل بین دو بازار یعنی بازار کار و بازار خدمات آموزشی داشته باشد. این ممکن است برای خود مقامات منطقه ای و محلی اهمیت کمتری نسبت به حوزه آموزش نداشته باشد، زیرا تنظیم فرآیندهای در حال وقوع در آموزش منطقه ای یکی از راه های دستیابی به ثبات اجتماعی طولانی مدت است. در عین حال، ما شاهد تلاش ناکافی دانشگاه ها در حل مشکل ارتقای جایگاه خود، دسترسی به آموزش با کیفیت بالا برای بازماندگان مدرسه در یک منطقه هستیم.

اولین راه ممکن، ایجاد چند دانشگاهی در ارتباط با مدیریت مناطق است که به روزترین شکل تجمیع پتانسیل های لجستیکی، دانشگاهی و نیروی انسانی آموزش عالی و متوسطه حرفه ای، شعب موسسات است. و آزمایشگاه ها، مراکز تولیدی و فنی و غیره. وجود چند دانشگاهی به عنوان یک مرکز دانشگاهی و اطلاعاتی- فناوری می تواند مبنایی برای راه اندازی یک واحد تحلیلی و تحقیقاتی محلی در اختیار مقامات منطقه باشد. چنین پتانسیل انبوهی می تواند مبنایی برای انجام تحقیقات برای حل مشکلات عملی، ارزیابی کارشناسانه پروژه های فنی- اقتصادی و همچنین اجتماعی- فرهنگی، نوسازی فناوری، ایجاد مشاغل کوچک جدید، توسعه زیرساخت های فرهنگی- اجتماعی و غیره باشد.

در این رابطه، چند دانشگاهی ممکن است پایگاه اطلاعاتی و منابع فکری خود را گسترش دهد. این به معنای ایجاد زیرساخت شبکه ای از ساختارهای آموزشی، علمی و نوآوری است که شبکه های محلی یک دانشگاه، شهر یا منطقه را متحد می کند. سازماندهی دسترسی از راه دور به منابع اطلاعاتی پر قدرت، همکاری آنلاین، توسعه و استفاده از ابزارهای آنلاین جدید، ایجاد مراکز دانش مشترک و دسترسی رایگان به آنها. ارائه پشتیبانی همه جانبه اطلاعاتی- روش شناختی و همچنین عملی- تجربه ای از فرآیند آموزش. سازماندهی کار هدایت شغلی در میان فارغ التحصیلان مدارس متوسطه و کالج های تخصصی متوسطه از جمله تشویق آنها به دنبال کردن شغل در زمینه هایی که در آینده مورد تقاضا خواهد بود. مشارکت مشترک در برنامه ها و

رویدادهای علمی بین‌المللی با تمرکز بر مطالعه منافع مشترک اقتصادی کشورهای همسایه و شهرها، یافتن راه‌های بهینه برای تحقق این منافع. راه دیگر برای حل این مشکل، ارتقای سطح اعتبار و دسترسی به آموزش باکیفیت برای بازماندگان منطقه است، یعنی توسعه تحرک اجتماعی-فرهنگی و آموزشی. علیرغم کلیشه‌های موجود، می‌توان گفت که پتانسیل تحرک دانشجویان هم‌اکنون تحصیلات عالی اول و هم تحصیلات تکمیلی در کشور و شهرهای کوچک کمتر و اغلب بالاتر از مناطق نیست. البته آموزش نهادی (رسمی) در مناطق روستایی کمتر از شهرها قابل دسترسی است (Desjardins et al., 2006). با این حال، درصد افرادی که عدم دسترسی به آموزش رسمی را از طریق یادگیری مستقل جبران می‌کنند در مناطق روستایی بالا است (Liubovnyi, 2013) از جمله استفاده از فرصت‌های راه دور. یادگیری از طریق اینترنت این روند جدید و امیدوارکننده گواه توانایی جمعیت روستایی برای تبدیل شدن به بازیگر مدرن سازی روستاها و شهرهای کوچک است. علاوه بر این، تعداد افرادی که یک حرفه جدید را آموخته‌اند در مراکز منطقه‌ای بیشتر است، که ظاهراً دلیل آن این است که در شهرهای بزرگ می‌توان شغلی در تخصص خود پیدا کرد و انرژی و زمان خود را صرف آموزش مجدد نکرد. به هر حال، تعداد بسیار زیادی از ساکنان روستاها در سیستم آموزش اضافی در کشورهایی مانند انگلستان، ایالات متحده آمریکا و فنلاند درگیر هستند، که هیچ تفاوت اجتماعی بین ساکنان روستا و ساکنان شهر ندارند (Yuzhaninov, Rykun & Abramova, 2012).

این امر گواه نیاز (و فرصت) راه‌اندازی مراکز آموزش اضافی بر اساس دانشگاه‌های منطقه‌ای است. دانشگاه‌های ملی و منطقه‌ای را می‌توان از طریق شبکه‌ای از توافق‌نامه‌های همکاری به هم متصل کرد، در حالی که ممکن است اساتید موظف باشند در دانشگاه‌های هر دو نوع تدریس کنند تا دانشگاه‌های منطقه بتوانند دانش جدیدی در مورد فناوری‌های پیشرفته کسب کنند. این باید به بخشی از سیستم تمام دولتی تحرک اجتماعی-فرهنگی، فکری و نوآوری تبدیل شود. چنین جهت‌گیری را می‌توان از جمله با وضعیت بازار، بخش‌های خاص آن، تعداد محدود فرصت‌های خالی جذاب توضیح داد. استراتژی نوآورانه و بالادستی، که موضعی از کنشگری اجتماعی است، معمولاً در جوانان و با هدف کسب آموزش اضافی و ارتقای صلاحیت حرفه‌ای، استراتژی تحرک افقی، که در آرزوی «پیدا کردن شغل دیگر» و قصد مهاجرت («تغییر محل سکونت»، «رفتن به خارج از کشور برای کار» تجسم یافته است. این راهبرد را تا حدی می‌توان یک راهبرد کنشگر دانست، اما مستلزم حفظ صلاحیت‌های موجود است. برای جوانان نیز مشخص است. در دوره فرآیندهای پیچیده تحول، انتقال آموزش عالی به ساختار چند سطحی، این سوال به طور فزاینده‌ای در مورد نیاز به افزایش تدریجی آزادی تحصیلی ارائه شده به دانشجو مطرح می‌شود. از یک سو، توسعه سیستمی و تکلیف محور تحرک آکادمیک و حرفه‌ای با اذعان به روندهای نوسازی آموزش و فعالیت‌های نوآورانه دانشگاه‌ها، پیش‌نیاز لازم برای تربیت یک متخصص آینده است، همانطور که شرایط اقتصادی مدرن نیاز دارد و قادر به انجام آن است. یادگیری انواع فعالیت‌های حرفه‌ای مجاور بسته به حدس بازار است.

از سوی دیگر، پتانسیل تحرک آموزش عالی به تغییر الزامات حرفه‌ای و اجتماعی آموزش عالی بستگی دارد. اعتبار علمی، سیاست موقعیتی و درازمدت آموزشی دولت و در نتیجه تلاش‌های فکری و ارادی دانش‌آموز، که این واقعیت را تا حد زیادی وضعیت فکری و اخلاقی جامعه و ارزش‌های اجتماعی پرورش یافته در جامعه تعیین می‌کند. آن «(رخمانین، ۲۰۰۹). شایان ذکر است روند منفی مربوط به مهاجرت دانشمندان جوان و متخصصان نوآوری است. نظرسنجی سالانه‌ای که توسط انجمن ملی توسعه نوآوری و فناوری اطلاعات در میان فارغ‌التحصیلان کشور انجام شد، نشان داد که ۷ تا ۱۰ درصد از فارغ‌التحصیلان اخیر به خاطر ادامه تحصیل یا ادامه کار به خارج از کشور می‌روند. نسبت متخصصانی که سه تا پنج سال پیش از

دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند و کشور را ترک می‌کنند تقریباً ۱۸ درصد است و مدام در حال افزایش است. کشورهایمانند آلمان، فرانسه، بریتانیا، هلند و سوئیس به عنوان مکان‌های جدید برای اقامت و شغل محبوبیت پیدا می‌کنند. یک راه حل ممکن برای کاهش این فرار مغزها می‌تواند توسعه فعال تحرک دانشگاهی فراملی باشد که به عنوان «بین‌المللی شدن آموزش» توصیف شده است (باراخنووا، ۲۰۱۳).

اصول اصلی جامعیت توسعه این فرآیند عبارتند از:

- وحدت محتوا و فرآیند.

- وحدت آموزش نظری و عملی؛

- ترکیب آموزش با فعالیت حرفه‌ای؛ همبستگی بین ادغام و تمایز اهداف، محتوا، روش‌ها و ابزارها؛

- ادغام فعالیت‌های درسی و فوق برنامه.

الزامات سیاست دولتی مبتنی بر به رسمیت شناختن اصول بین‌المللی همکاری است و در عین حال برای حمایت از منافع ملی است. فرآیند بین‌المللی شدن به طور فعال از دیدگاه علوم اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، در حالی که «زمینه اقتصادی بین‌المللی شدن از برقراری روابط بین‌المللی پایدار در حوزه تولیدی-اقتصادی خبر می‌دهد. زمینه اجتماعی با پیوندهای نزدیک آن با آموزش ایجاد می‌شود.

هنگامی که رویکردهای مختلف ارزشیابی در آموزش و پرورش را تحلیل می‌کنیم، می‌توانیم سه گروه اصلی از شاخص‌های کیفیت آموزش را شناسایی کنیم:

(۱) شاخص‌های کیفیت در یک سیستم آموزشی.

(۲) شاخص‌های کیفیت آموزش با شخصیت ذهنی (دیدگاه‌های مصرف‌کننده، داده‌های نظارت اجتماعی-آموزشی، گفتمان عمومی و غیره).

(۳) شاخص‌های برابری دسترسی به آموزش عالی برای اقشار مختلف اجتماعی جمعیت و برای مردم ساکن در مناطق مختلف. شاخص‌های کیفیت در یک سیستم آموزشی برای ارزیابی کیفیت بر اساس کیفیت سنجی استفاده می‌شود، یعنی کیفیت یک فرآیند را بر اساس ویژگی‌هایی مانند کارایی و اثربخشی تعیین می‌کند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

به نظر ما، برای دستیابی به حداکثر تقریب به عینیت، باید تعدادی از عوامل را در نظر گرفت: (۱) کیفیت دانش، تخصص و مهارت، تحقیقات انجام شده توسط دانشجو. (۲) ویژگی‌های اجتماعی-روانی یک دانش‌آموز (میزان عزم برای دنبال کردن شغل انتخابی، نوعی تصویر اجتماعی-روانشناختی از یک دانش‌آموز). (۳) عوامل بازخورد، یعنی نظرات کارفرمایان در مورد فارغ‌التحصیلان، دیدگاه آنها در مورد آموزش‌های کسب شده توسط دانشجویان، خواه در تخصص آنها کار کند یا نه. با این حال، ممکن است بگوییم که عامل (۲) در سیستم‌های ارزیابی کیفیت در دانشگاه‌ها نشان داده نمی‌شود (یا فقط به صورت پراکنده نشان داده می‌شود)، در حالی که عامل (۱) نیاز به اثبات روش شناختی دقیق تری دارد و عامل (۳) تازه در نظر گرفته شده است. اشتغال در رشته تخصصی و پس از قرار گرفتن در رتبه بندی دانشگاه. مطابق با انواع آموزش که در چارچوب آن مجموعه‌ای از شایستگی‌ها ممکن است شکل گیرد، معیارهای فردی کیفیت آموزش دانشگاه گروه‌های زیر را تشکیل می‌دهد: (۱) دانش نظری که در سخنرانی‌ها و به طور مستقل به دست می‌آید. (۲) مهارت‌های حرفه‌ای (دانش تقویت شده در آموزش

ها؛ ۳) مهارت های عملی (دانش و تخصص به کار گرفته شده در شرایطی که بیشتر شبیه به یک شغل آینده است: تمرین های شبیه سازی، کار پروژه، آموزش عملی، قرارگیری صنعتی؛ ۴) مهارت های تحقیق و خلاقیت (تحقیق دانش آموزان). به هر حال، با توجه به اینکه دانش نظری قابل اندازه گیری است، مهارت های حرفه ای عملی کاملاً مبهم باقی می ماند، نیاز به مشخصات و قطعیت قابل اندازه گیری دارند.

پیامدها و توصیه ها برای تحقیقات آتی به شرح زیر است: کیفیت آموزش را می توان به عنوان یک مقوله اجتماعی بررسی کرد، زیرا با برآوردن نیاز هر فرد برای اجتماعی سازی مؤثر، یعنی دستیابی به ابزارها و راه های ساخت مثبت شخصی، مرتبط است. زندگی حرفه ای و اجتماعی در شرایط اجتماعی معین. می توان فرض کرد که کیفیت آموزش یک سوال توافق اجتماعی در مورد آنچه که در حال حاضر مهمترین مؤلفه های فعالیت های عمومی، خصوصی و حرفه ای یک فرد است، ممکن است. بنابراین به سختی می تواند یک ویژگی عینی باشد. کیفیت آموزش تا حد زیادی به سیستم مدیریت یک دانشگاه بستگی دارد. به طور خاص، این امر منوط به ایجاد مجموعه ای از شرایط لازم برای دستیابی به نتایج پیش بینی شده توسط مدیریت برنامه آموزشی، ایجاد آمادگی برای بهبود مستمر و اصلاح آنها در انطباق با استراتژی تعیین شده و تغییرات جاری در کشور است. کاملاً بدیهی است که کیفیت آموزش با هدف تضمین ارائه خدمات اجتماعی برای جامعه و دولت از نظر سطح شایستگی فارغ التحصیلان است. این امر مستقیماً با بازتولید و توسعه نه تنها منابع انسانی، بلکه به کل سیستم اجتماعی-اقتصادی مرتبط است. بنابراین مشکلات کیفیت آموزش و به تبع آن ارزیابی آن نه تنها در آموزش و پرورش بلکه در کل جامعه به کانون بحث تبدیل شده است.

بدون شک، دانشگاه ها بار سنگین تربیت متخصصان آینده را به دوش می کشند، اگرچه سایر علاقه مندان، به عنوان مثال، مشاغل، نقش مهمی را در این فرآیند ایفا می کنند. استفاده از اعتبارات به عنوان معیاری برای شدت کار برنامه های آموزش عالی منجر به کاهش شدید تعداد ساعات اختصاص داده شده برای بسیاری از دروسی شد که مطابق با استاندارد آموزشی اجباری نیستند. علاوه بر این، استانداردهای آموزشی معاصر ایجاب می کند که سخنرانی ها بیش از ۴۰ درصد ساعات دانشگاه را تشکیل ندهند، در حالی که حداقل ۲۰ درصد کلاس ها باید سمینارها یا سایر فعالیت های مطالعاتی تعاملی باشد. علیرغم اینکه ارزشیابی کیفیت آموزش بر اساس ارزیابی های روزانه، میان ترم و نهایی است، دانشجویان مدارک یکنواخت آموزش عالی را دریافت می کنند. هر چند ممکن است عجیب باشد، یک فارغ التحصیل دانشگاه کاملاً واجد شرایط در نظر گرفته می شود. دانشجویانی که با رتبه ممتاز فارغ التحصیل می شوند از هیچ امتیازی در غربالگری استخدامی سازمان های دولتی برخوردار نیستند و در صورت استخدام در چنین سازمانی، طبقه شغلی بالاتری به آنها تعلق نمی گیرد. با توجه به عدم تناسب بین آموزش مناسب و سطح شایستگی دانشجویان در نتیجه، کادر آموزشی مسئولیت قابل اندازه گیری در قبال کیفیت آمادگی فارغ التحصیلان را بر عهده نمی گیرد. در همین راستا، به نظر می رسد مصلحت بیان شود که ارزیابی کیفیت آموزشی یکی از پیچیده ترین و در عین حال بسیار مهم ترین مشکلاتی است که بدون حل آن، تضمین رقابت واقعی دانشگاه ها غیرممکن است. پیچیدگی مشکل با این واقعیت است که ارزیابی عملکرد یک مدرس دانشگاه باید قابل اعتماد باشد، یعنی از نظر علمی پایه گذاری شده باشد و سودمندی این عملکرد را در حین تشخیص کمیت و کیفیت ورودی نیروی کار در نظر بگیرد.

مشکل کیفیت آموزش با مشارکت دست اندرکاران، دانشمندان محقق، تجار، کارشناسان صنعتی و غیره در فرآیند تدریس دانشگاه حل می شود. تمرین کنندگان واقعاً می توانند برخی از چالش های حرفه ای زندگی واقعی را وارد برنامه درسی کنند، مانند مثلاً مطالعات موردی. به این ترتیب آنها ممکن است به مشکل اضافه بار اطلاعات که به شکل گیری شایستگی های

حرفه ای کمک می کند، رسیدگی کنند. در عین حال، این دسته از سخنرانان دانش کمی در مورد سازماندهی فعالیت های آموزشی دارند که بر اثربخشی آنها منعکس می شود. علاوه بر این، دستمزد آنها کمتر از حد معمول است و این نوع اشتغال اغلب به کار داوطلبانه تشبیه می شود. در سال های اخیر، که شاهد افزایش بهینه سازی فعالیت های دانشگاه ها بودیم، برخی از مشکلات مربوط به بیکاری کارکنان پاره وقت خارجی که این دسته از مدرسان حرفه ای به آن دسته تعلق دارند، ظاهر شد. می توان گفت که دانشگاه ها حمایت این اساتید را از دست داده اند. با توجه به این موضوع، در حال حاضر مشکل افزایش صلاحیت کادر آموزشی تمام وقت دانشگاهی پدیدار می شود. این مشکل را می توان تا حدی با آموزش عملی معلمان در ساختارهای تجاری، در شرکت های کارفرمایان فارغ التحصیل آینده و همچنین سازماندهی مشاغل صنعتی و کارآموزی دانشجویان حل کرد.

افزایش کیفیت آموزش عالی با تقاضای افزایش چشمگیر سهم کار مستقل دانشجویان و افزایش زمان اختصاص داده شده برای آن ارتباط دارد که این امر نیز گواه نیاز به انجام تغییرات لازم در سازمان آموزشی و نیز در سازمان است. روشهای ارزیابی عملکرد کادر آموزشی. مکانیسم های نهادی حل مشکلات مربوط به کیفیت آموزش عالی در درجه اول با ایجاد وضعیت آموزش عالی به عنوان یک خدمت مرتبط است. کیفیت این خدمات یکی از مزیت های رقابتی تعیین کننده دانشگاه ها است. این به درک اهداف، نقش اجتماعی-فرهنگی و کارکردهای مهم اجتماعی آموزش عالی اشاره دارد و مسائل مربوط به محتوای آن را مطرح می کند. در نظام روابط بازار، خود مفهوم کیفیت از منظر همبستگی آن با انتظارات مصرف کنندگان بررسی می شود. با توجه به این موضوع، رویکردها و همچنین مفهوم «کیفیت آموزش» که تلاش می کند به چالش های فنی و انسانی پاسخ دهد، در حال تغییر است.

منابع

1. Araslanova, A. A. (2011). Management of the quality of higher education on the basis of forming regional educational clusters. Moscow: RIOR publishers.
2. Astakhova, S. M. (2008). The state regulation of the funding of higher professional education in market conditions. Russian State Social University.
3. Balabanov, A. S. (2007). Cumulative and dispersive factors of the dynamics of social inequality in present-day Russia. Nizhniy Novgorod, Niva.
4. Barakhtenova, L. (2013). Internationalization of education at an economic university. Higher Education in Russia Journal, 10, 63-69.
5. Buchmann, C., & Hannum, E. (2001). Education and stratification in developing countries. A review of theories and research, 2, 77-102.
6. Chernova, S. A. (2012). The problem and experience of assessing the quality of university teaching as a factor of raising a university's competitiveness. Newsletter of Dagestan Scientific Center of the Russian Academy of Education, 3, 76-83.
7. Desjardins, R., Milana, M., Rubenson, K. & Planning K. (2006). Unequal Chances to Participate in Adult Learning: International Perspectives. Retrieved from <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=cE3pY4Y4cjQC&pgis=1>

8. European Commission. (2009). Bringing out the best in education: Enhancing quality in higher education : a Tempus survey. Luxembourg: Office for Official Publications of the European Communities.
9. Filippov, V. M. (2009). The World Conference on Higher Education: outcomes and prospects. Commission of the Russian Federation for UNESCO Affairs. Vestnik, 10, 28-37.
10. Gershunskiy, B. S. (1998). Philosophy of Education for the 21st century. Moscow: Academia.
11. Glukhariova, Y. V. (2012). The institutions of family and education in the process of reproduction of unequal strategies of professional self-determination of youth in a mono-industrial towns. Kazan: KSU. 2536 I. V. PETROVSKIY & E. N. AGAPOVA
12. Gorbashko, Ye. A. (2011). Guarantees of the quality of higher education in conditions of international integration. Moscow: AST.
13. GOST R ISO 9000-2001. (2001a). State Standard of the Russian Federation of the System of Quality Management. Retrieved from <http://www.docload.ru/Basesdoc/9/9186/index.htm>
14. GOST R ISO9004-2001. (2001b). State Standard of the Russian Federation of the System of Quality Management (2001). Retrieved from http://ohranatruda.ru/ot_biblio/normativ/data_normativ/9/9187/index.php
15. GOST R ISO9004-2010. (2011) National standard of the Russian Federation for achieving an organization's sustainability. Retrieved from <http://docs.cntd.ru/document/gost-r-iso-9004-2010>
16. Hagurov, T. A. (2010). Education in a country undergoing reform: the problem of quality assessment. In Russian reforms, 250-293.
17. Investigation of the labor market and employment of graduates. (2015). Retrieved from <http://www.herzen.spb.ru/main/graduate/most/1301486530/>
18. Khutorskoy, A. V. (2011). Innovation in Education: humanoid angle. Moscow: Eidos.
19. Kliucharev, G. A. (2004). On the dynamics of educational behavior of well-to-do and low-income Russians. Sociological Research, 2, 116-122.
20. Kliucharev, G. A. (2011). The human capital and the problem of inequality in education under reform. Vestnik of the Institute of Sociology, 3, 88-105.
21. Kokoulina, Y. Y. (2012). Scientific-technological development: staffing at Russian universities. Vestnik of Tomsk State University, 4, 181-187.
22. Lebedev, O. Y. (2007). What is the quality of education& From the new quality of general education to the new prospects for the development of universities. Higher Education Today, 2, 34-39.
23. Liubovnyi, V. Y. (2013). Does Russia need small towns? Management of Territorial Development, 3, 12-44.
24. Motova, G. N. (2011). Application of ENQA standards and quality models for setting up an intrauniversity system of guaranteeing quality at university. In Implementation of European standards and recommendations in the system of guaranteeing the quality of educations: information package of the 6th All-Russian scientific-practical conference of the Guild of Experts in Professional Education (p. 236). Moscow.

25. Orlova, Y. Y. (2013). Control of the quality of the educational process' outcomes. Newsletter of South Ural State University, 5(3), 81–84.
26. Pastukhova, O. A. (2010). The market of services of higher professional education in the development of the region. Economics, Politics, Law Journal, 1, 97–101.
27. Pravdina, M. A. (2009). Why universities need institutional research: review of the international experience. Practice and Analysis, 4, 91–116.
28. Rakhmanin, V. S. (2009). Universities and youth in transformational processes of Russia of the first decade of the 21st century. VGU Newsletter, 2, 13–23.
29. Realising the European Higher Education Area. (2003). In Communiqué of the Conference of Ministers responsible for Higher Education. September 19. Berlin.
30. Roemer, J. E. (2002). Equality of opportunity: A progress report. Social Choice and Welfare, 19(2), 455-471.
31. Schütz, G., Ursprung, H. W., & Wößmann, L. (2008). Education policy and equality of opportunity. Kyklos, 61(2), 279-308.
32. Sholokhov, V. A. (2010). Inequality in the system of contemporary: basis and mechanisms of their reproduction. Rostov-on-Don, Don.
33. Traynev, V. A, Mkrtyan, S. A. (2010). Improving the quality of higher education and the Bologna process. Moscow: AST. UNESCO. (1995). Policy Paper for Change and Development in Higher Education. United Nations Educational, Scientific, and Cultural Organization.
34. Ushakov, B. G. (2008). The quality of education and/or the education of quality. Management Consulting, 3, 149–163.
35. Varlamova, A. I. (2013). Alternative systems of assessing the quality of education at universities of the USA. Bulletin of Moscow Region State University, 1, 22–27.
36. Yarkova, I. V. (2012). The measurement of the quality of education as an important prerequisite of improving marketing skills and expertise. Initiatives of the 21st Century, 3, 49–53.
37. Yeliseyev, B. P. (2010). To the assessment of the present-day strategy of the state in the field of higher education and some paradoxes of universities. Theory and Practice of Social Development, 4, 106–109.
38. Yuzhaninov, K. M., Rykun, A. Yu. & Abramova, M. O. (2012). Social policies as a factor of innovational development of the region. Vestnik of Tomsk State University, 17, 96–112.
39. Zhigalev, B. A. (2009). The communicative paradigm of assessing the quality of education at a university. Newsletter of Vyatka State Humanitarian University, 3, 20–23.